

صدارت طلب

یکی از موضوعات مهم نحوی که در خلال کتب نحوی حوزه (و نه در مکانی مستقل) به آن پرداخته شده، ادات صدارت طلب است.

تعریف صدارت طلب

اینها اداتی (اسماء یا حروفی) هستند که:

۱. ما قبل آنها نمی تواند عامل در ما بعد باشد و بالعکس.
۲. خودشان (اگر اسم باشند) معمول ما بعد خود قرار می گیرند.
۳. کل جمله حاوی صدارت طلب می تواند محلی از اعراب داشته باشد و معمول ماقبل باشد (مثلاً مقول قول باشد).

فهرست ادات صدارت طلب

آنچه تا کنون به دست آورده ام، با ذکر منبع، تقدیم به شما:

۱. ادات شرط: **إِنْ، أَمَّا، ...**

موسوعه، ص ۴۱۷

نکته: تمام ادات شرط صدارت دارند حتی «أَمَّا»

۲. ادات استفهام

در میان آن ها «همزه» تمام التصدير است، یعنی حتی حرف عطف هم بر آن مقدم نمی شود (أَوْ لَمَّا اصابَتْكُمْ ...؛ أفتؤمنون ببعض الكتاب؛ أَمْ إِذَا مَا وَقَعَ)

۳. حروف مصدریه: **أَنْ، أَنْ، مَا، لَوْ، كَيْ**

سیوطی در بحث نواسخ (فعل ناقصه)

*و فی جمیعها توسّط الخبرِ أَجْزُ؟ وَ كُلُّ سَبَقَهُ «دَامَ» حَظَرَ

۴. تمام حروف ناسخ: **مُشَبَّهٌ بِالْفِعْلِ، شَبِيهٌ بِلَيْسَ، لَا نَفْيَ جِنْسٍ.**

مغنی، آخرین بحث اذا(ناصب اذا چیست) اینگونه استدلال می کند که «اذا» متعلق به شرطش است نه جوابش چرا که گاه بر سر جواب شرطش «حرف ناسخ» می آید که صدارت دارد و مانع از عمل مابعد در ماقبل است.
 نکته: **لعل** صدارت دارد؛ ولی «عسی» صدارت ندارد

سیوطی، بحث نواسخ(کان و اخوات)

و مَنَعُ سَبْقِ خَيْرٍ «لَيْسَ» اصْطُفِي؛ و ذُو تَمَامٍ مَا بَرَفَعَ يَكْتَفِي
 و إِنْ وَ لَا مُ ابْتِدَاءٍ أَوْ قَسَمٍ كَذَا وَ الِاسْتِفْهَامُ ذَا لَهُ انْحَتَمَ

۵. «اذا» فجائیة

مغنی، آخرین بحث اذا(ناصب اذا چیست) اینگونه استدلال می کند که «اذا» متعلق به شرطش است نه جوابش چرا که گاه بر سر جواب شرطش «حرف ناسخ» می آید که صدارت دارد و مانع از عمل مابعد در ماقبل است.

۶. «ما، لا، إِنْ» نافیة [ولی «لَمْ، لَمَّا، لَيْسَ» صدارت ندارند]

سیوطی در بحث نواسخ ابتدا(فعل ناقصه)

* كَذَا كَ سَبْقُ خَيْرٍ «مَا» النَّافِيَةُ فَجِئَ بِهَا مَتْلُوَّةٌ لَا تَالِيَةَ
 فِي مُوْهِمٍ إلْغَاءَ مَا تَقَدَّمَ وَ التَّرَمُّ التَّعْلِيقَ قَبْلَ نَفْيِ مَا
 وَ إِنْ وَ لَا مُ ابْتِدَاءٍ أَوْ قَسَمٍ كَذَا وَ الِاسْتِفْهَامُ ذَا لَهُ انْحَتَمَ

۷. **لام ابتدا** [ولی لام مزحلقه صدارت ندارد]

صَبَّان، ج ۱، ص ۴۱۶

مغنی، ج ۱، ص ۲۳۰

وَ إِنْ وَ لَا مُ ابْتِدَاءٍ أَوْ قَسَمٍ كَذَا وَ الِاسْتِفْهَامُ ذَا لَهُ انْحَتَمَ
 أَوْ كَانَ مُسْنَدًا لِذِي لَام ابْتِدَاءٍ أَوْ قَسَمٍ أَوْ لَازِمِ الصَّدْرِ كَمَنْ لِيَ مُنْجِدًا

۸. **لام قسم**: لام بر سر فعل مؤکد به نون تأکید

نحات می گویند که «لام» مفید «تأکید» بر سر فعل مؤکد به نون تأکید لام قسم است و فعلی که مدخولش است جواب قسم مقدر است: لَتَأْتِيَنَّ مَنِيَّتِي: لام قسم + قسم مقدر + جواب قسم(تَأْتِيَنَّ)

سیوطی هم در بحث «تعليق فعل قلبی» همین را می گوید و «لام» قسم را صدارت طلب می داند:

... فی موهِمٍ إلْغَاءَ مَا تَقْدَمَا؛ وَ التَّرْمِ التَّعْلِيقَ قَبْلَ نَفْيِ مَا
وَ إِنْ وَ لَا؛ لَمْ ابْتِدَاءٍ أَوْ قَسَمٍ كَذَا؛ وَ الِاسْتِفْهَامُ ذَا لَهُ انْحَتَمَ
۹. «ما» تعجیبیه [ما افعل]

موسوعه، ص ۴۱۷

۱۰. «کم» خبریه و استفهامیه

موسوعه، ص ۴۱۷

۱۱. رَبَّ

ابن هشام در آخرین بحث از فاء رابطه می گوید: رَبَّ صدارت دارد.
نیز حدائق در بحث موارد «فاء رابطه» می گوید: اگر صدارت طلب بر سر جمله جواب
بیاید فاء لازم است؛ بعد مثال از صدارت طلب می زند به «ما» نافی و «رَبَّ».

۱۲. ضمیر شأن

موسوعه، ص ۴۱۷

۱۳. مضاف به صدارت طلب [غلامَ مَنْ رَأَيْتَ؟]

موسوعه، ص ۴۱۷

تعبیر دقیق تر این است که به جای مضاف به صدارت طلب بگوییم: خافضِ صدارت
طلب، صدارت طلب عَرَضِی است، مثل «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ؟» که در این مثال «ما» استفهامیه،
صدارتش را به «عن» داده لذاست که معمول ماقبل واقع شده حال آنکه صدارت طلب
می توانست معمول ما بعد باشد نه معمول ماقبل.

۱۴. ادات عرض و تحضیض

حدائق، ص ۴۱۶

۱۵. موصولی که خبرش مقترن به فاء شبه رابطه باشد

بدائه جدید، هامش ۱ ص ۱۲۴

این مورد را جزء صدارت طلب های «عَرَضِی» که صدارت بر آنها عارض شده می
شمارد. ظاهراً هم مرادش «الذی یأتینی فله درهم» است؛ از آنجا که در اینجا «الذی»

موصول است ولی به جهت «فاء شبه رابطه» آمده لذا از ادات شبه شرط است و همانطور که ادات شرط، صدارت دارند این موصول هم صاحب صدارت می شود.